

هجرت ابراهیم

سرانجام دستگاه حکومت جبار نمرود که احساس کرد این جوان کم کم به صورت کانون خطری برای حکومت خود کامه او در آمده و زبان گویا و فکر توانا و منطق رسایش ممکن است سبب بیداری و آگاهی توده‌های تحت ستم گردد،

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۴۰۳

و زنجیرهای استعمار او را سرانجام پاره کنند و بر او بشورند، تصمیم گرفت با دامن زدن به تعصبات جاهلانه بت پرستان، کار ابراهیم را یکسره کند و با مراسم خاصی که در سوره انبیاء خواهد آمد، او را در برابر دیدگان همه در میان دریای آتشی که بوسیله جهل مردم و جنایت نظام حاکم بر افروخته شده بود، بسوزاند و برای همیشه فکر خود را راحت کند. اما هنگامی که آتش به فرمان خدا خاموش گشت و ابراهیم سالم از آن صحنه بیرون آمد چنان لرزه‌ای بر دستگاه نمرود وارد گشت که به کلی روحیه خود را باخت، چرا که دیگر ابراهیم یک جوان ماجراجو و تفرقه افکن - بر چسبی که دستگاه نمرود به او میزدند - نبود، بلکه به عنوان یک رهبر الهی و یک قهرمان شجاع که می‌تواند یک تنه و با دست خالی بر انبوه جباران قدرتمند یورش ببرد، در آمد!

و به همین دلیل نمرود و درباریان‌ش که همچون زالو خون مردم بینوا را می‌مکیدند تصمیم گرفتند برای ادامه حکومت خود با تمام قوا در برابر ابراهیم بایستند و تا او را نابود نکنند از پای ننشینند. از سوی دیگر ابراهیم سهم خود را از آن گروه گرفته بود، یعنی دل‌های آماده به او ایمان آورده بودند، او بهتر دید که با جمعیت مؤمنان و هواداران‌ش سرزمین بابل را ترک گوید، و برای گستردن دعوت حق به سوی شام و فلسطین و مصر سرزمین فراغنه روانه شود، و توانست در آن مناطق حقیقت توحید را تبلیغ نماید و مؤمنان فراوانی را به سوی پرستش خداوند یگانه بخواند.

آخرین مرحله رسالت ابراهیم

ابراهیم عمری را به مبارزه با بت پرستی در تمام اشکال‌ش و مخصوصاً «انسان پرستی» گذراند، و توانست دل‌های آمادگان را به نور توحید روشن سازد، و

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۴۰۴

کالبد انسانها جان تازه‌ای دمد و گروههای زیادی را از زنجیر خود کامگان رهائی بخشد.

اکنون باید در آخرین مرحله عبودیت و بندگی خدا گام نهد و هر چه را دارد در طبق اخلاص بگذارد، و به پیشگاهش تقدیم کند.

تا از رهگذر آزمایشهای بزرگ الهی با یک جهش بزرگ روحانی وارد مرحله امامت و پیشوائی انسانها گردد.

و مقارن همین حال پایه‌های خانه توحید، خانه کعبه را برافرازد، و آن را به صورت یک کانون بی نظیر خدا پرستی در آورد، و از همه مؤمنان آماده، به کنگره عظیمی در کنار این خانه عظیم توحید، دعوت کند.

ماجرای حسادت «ساره» زن نخستینش با «هاجر» کنیزی که او را به همسری اختیار کرده بود و فرزندى به نام «اسماعیل» از او یافت، سبب شد که این مادر و کودک شیر خوار را به فرمان خدا از سرزمین «فلسطین» به بیابان خشک و تفتیده «مکه» در لابلای آن کوههای زمخت و خشن ببرد.

و آنها را در آن سرزمین که حتی یک قطره آب در آن پیدا نمیشد، به فرمان خدا، و به عنوان یک آزمایش بزرگ بگذارد و باز گردد.

پیدایش چشمه «زمزم» و آمدن قبيله «جرهم» به آن سرزمین و اجازه خواستن برای زندگی در آن منطقه از هاجر که هر کدام ماجرای طولانی و مفصلی دارد، سبب آبادی این زمین شد.

ابراهیم از خدا خواسته بود که آن نقطه را شهری آباد و پر برکت سازد، و دل‌های مردم را به فرزندانش که در آن منطقه رو به فزونی بودند، متوجه گرداند.

جالب اینکه بعضی از مورخان نقل کرده‌اند هنگامی که ابراهیم هاجر و اسماعیل شیر خوار را در مکه گذاشت، و می‌خواست از آنجا باز گردد، هاجر

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۴۰۵

او را صدا زد که ای ابراهیم چه کسی به تو دستور داد ما را در سرزمینی بگذاری که نه گیاهی در آن وجود دارد، نه حیوان شیر دهنده‌ای، و نه حتی یک قطره آب، آن هم بدون زاد و توشه و مونس؟! ابراهیم در یک جمله کوتاه پاسخ گفت: «پروردگارم مرا چنین دستور داده

است».

هنگامی که هاجر این جمله را شنید گفت اکنون که چنین است، خداهرگز ما را به حال خود رها نخواهد کرد!

ابراهیم «کرار» از فلسطین به قصد زیارت اسماعیل به مکه آمد، و در یکی از همسین سفرها بود که مراسم حج را بجای آورد، و به فرمان خدا اسماعیل فرزندش را که به صورت نوجوان برومند و فوق العاده پاک و باایمان بود به قربانگاه برد، و حاضر شد این بهترین میوه شاخسار حیاتش را با دست خود در راه خدا قربانی کند.

هنگامی که این مهمترین آزمایش را به عالیتین صورتی از عهده بر آمد و تا آخرین مرحله آمادگی خود را در این راه نشان داد خدا قربانیش را پذیرفت و اسماعیل را برای او حفظ کرد و گوسفندی به عنوان قربانی برای او فرستاد. سرانجام ابراهیم با ادا کردن حق همه این امتحانات، و بیرون آمدن از کوره همه این آزمایشها، به بلندترین مقامی که یک انسان ممکن است به آن برسد ارتقاء یافت و چنانکه قرآن می گوید: خداوند ابراهیم را به کلماتی آزمود و او همه آنها را به انجام رساند، و به دنبال آن به او فرمود من ترا امام و پیشوا قرار می دهم، ابراهیم که از این مژده به وجد آمده بود تقاضا کرد که این مقام را به بعضی از فرزندان من نیز ببخش، دعای او مستجاب شد ولی به این شرط که این

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۴۰۶

مقام به کسی که ظلم و ستم و انحرافی از او سر زده باشد هرگز نخواهد رسید.

مقام والای ابراهیم در قرآن

بررسی آیات قرآن نشان می دهد که خداوند برای ابراهیم، مقام فوق العاده والائی قرار داده است، مقامی که برای هیچیک از پیامبران پیشین قائل نشده است.

بزرگی مقام این پیامبر الهی را از تعبیرات زیر به خوبی می توان دریافت:

۱ - خداوند از ابراهیم به عنوان یک «امت» یاد کرده، و شخصیت او را به منزله یک امت می ستاید (نحل - ۱۲۰).

۲ - مقام خلیل الهی را به او عطا فرموده است، و اتخذ الله ابراهیم خلیلا (نساء، ۱۲۵).

جالب اینکه در بعضی از روایات در تفسیر این آیه می خوانیم، «این مقام به خاطر آن بود که ابراهیم هرگز چیزی از کسی نخواست و هرگز تقاضا

کننده‌ای را محروم نکرد!».

۳ - او از نیکان صالحان قانتان صدیقان بردباران و وفا

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۴۰۷

کنندگان به عهد بود.

۴ - ابراهیم فوق العاده مهمان‌نواز بود بطوری که در بعضی از روایات آمده است او را ابو ازیاف (پدر مهمانان یا صاحب مهمانان) لقب داده بودند.

۵ - او توکل بی‌نظیری داشت، تا آنجا که در هیچ کار و هیچ حادثه‌ای نظری جز به خدا نداشت هر چه می‌خواست، از او می‌طلبید و جز در خانه او را نمی‌کوبید. داستان پیشنهاد فرشتگان برای نجات او به هنگامی که قوم لجوج می‌خواستند او را در میان دریائی از آتش بیفکنند، و عدم قبول این پیشنهاد از ناحیه ابراهیم در تواریخ ضبط است، او می‌گفت: من سر تا پانیازم اما نه به مخلوق بلکه تنها به خالق!.

۶ - او شجاعت بی‌نظیری داشت و در برابر سیل خروشان تعصبهای بت پرستان یک تنه ایستاد و کمترین ترس و وحشتی به خود راه نداد، بتهای آنها را به باد مسخره گرفت و از بتکده آنها تل خاکی ساخت، و در برابر نمرود و دژ خیمانش با شهامت بی‌نظیری سخن گفت که هر یک از آنها در آیاتی از قرآن مجید آمده است.

۷ - ابراهیم منطق فوق العاده نیرومندی داشت، در عبارات کوتاه و محکم

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۴۰۸

و مستدل پاسخهای داندانشکنی به گمراهان می‌داد، و با همان منطق رسایش بینی لجوجان را به خاک می‌مالید.

هرگز بخاطر شدت خشونت آنها از کوره در نمی‌رفت، بلکه باخونسردی که حاکی از روح بزرگش بود با آنها روبرو می‌شد، و با گفتار و رفتارش سند محکومیتشان را به دستشان می‌سپرد، که این مطلب نیز در داستان محاجه ابراهیم با نمرود، و با عمویش آزر، و با قضات دادگاه بابل، هنگامی که می‌خواستند او را به جرم خداپرستی و بتشکنی محکوم نمایند، به روشنی آمده است.

به آیات زیر که در سوره انبیاء آمده است خوب توجه کنید:

هنگامی که قضات از او پرسیدند آیا تو هستی که این بلا را به سر خدایان ما

آورده‌ای و اینهمه بتهای کوچک و بزرگ را در هم شکسته‌ای؟ (قالوا انت فعلت هذا بالهتنا یا ابراهیم).

او در پاسخ برای آنکه آنها را در بن بست شدید قرار دهد، بن بستی که راه نجات از آن را نداشته باشند گفت: ممکن است این کار را بزرگ آنها کرده باشد؟ از آنها سؤال کنید اگر سخن می‌گویند (قال بل فعله کبیرهم هذا فاسئلوهم ان کانوا ینطقون).

با همین یک جمله دشمنان خود را در بن بست شدیدی قرار داد، اگر بگویند بتهای لال و بسته دهن هستند و قادر به تکلم نیستند، زهی رسوائی با این خدای گنگ و بی‌عرضه، و اگر قبول کنند که آنها قادر به تکلمند باید بپرسند و جواب بشنوند!

اینجا بود که وجدان خفته آنها اندکی بیدار شد، و به خویشتن خویش بازگشتند، و از درون خویش فریادی شنیدند که به آنها می‌گفت «شما ظالم و خود خواه و ستمگرید»، نه به خود رحم می‌کنید و نه به جامعه‌ای که به آن تعلق دارید (فرجعوا الی انفسهم فقالوا انکم انتم الظالمون).

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۴۰۹

ولی به هر حال لازم بود پاسخی بگویند، لذا با کمال سرشکستگی گفتند تو که میدانستی اینها سخن نمی‌گویند (ثم نکسوا علی رؤسهم لقد علمت ما هوؤ لا، ینطقون).

در اینجا بود که گفتار کوبنده ابراهیم همچون صاعقه‌ای بر سر آنها فرود آمد، فریاد زد اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می‌پرستید، ای بی‌عقل‌ها! (اف لکم و لما تعبدون من دون الله افلا تعقلون).

سرانجام چون یارای مقاومت در برابر منطق نیرومند ابراهیم در خود ندیدند - آنچنانکه شیوه همه زورگویان قلدر است - متوسل به زور شدند، و گفتند او را باید بسوزانید.

و برای این کار از تعصبات جاهلانه بت پرستان کمک گرفتند و صدا زدند بشتابید به یاری خدایانتان اگر توان و قدرتی دارید (قالوا حرقوه وانصروا الهتکم ان کنتم فاعلین).

این یک نمونه از منطق رسا و مستدل و قاطع و برنده ابراهیم بود.

۸ - قابل توجه اینکه قرآن یکی از افتخارات مسلمانها را این می‌شمرد که آنها بر

آئین ابراهیمند و او بود که نام «مسلمان» را بر شما گذارد.
حتی برای تشویق مسلمانان به انجام پاره‌ای از دستورات مهم به آنان گوشزد می‌کند که شما باید به ابراهیم و یارانش اقتدا جوئید.
۹ - مراسم حج با آنهمه عظمت و شکوهش بوسیله ابراهیم، و به فرمان خدا پایه‌گذاری شد و به همین جهت نام ابراهیم و خاطره ابراهیم با تمام مراسم

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۴۱۰

حج آمیخته است و انسان در هر موقف و هر برنامه‌ای از این مراسم بزرگ به یاد این پیغمبر الهی می‌افتد و پرتو عظمت او را در دل خویش احساس می‌کند، اصولاً انجام مراسم حج بی یاد ابراهیم نامفهوم است!
۱۰ - شخصیت ابراهیم تا آن حد و پایه بود که هر گروهی کوشش داشتند او را از خود بدانند یهودیان و مسیحیان هر کدام بر پیوند خویش با ابراهیم تاکید داشتند، که قرآن در پاسخ آنها این واقعیت را بیان داشت که او تنها یک مسلمان و موحد راستین بود یعنی کسی که در همه چیز تسلیم فرمان خدا بود، جز به او نمی‌اندیشید و جز در راه او گام بر نمی‌داشت.
پایان جلد ۱۰ تفسیر نمونه